

عملیات رسانه‌ای آینده محور و تاثیر آن بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل^۱

زین‌العابدین خدمتی بیدگلی^۲؛ مهدی حاجی احمدی^۳؛ محمدعلی دری‌دولت‌آبادی^۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۶

چکیده

در نظام بین‌الملل معاصر، قدرت به‌تدریج از فضاهاى فیزیکی به سپهر اطلاعاتی منتقل شده و عملیات رسانه‌ای، با همراهی فناوری‌های نوظهوری همچون هوش مصنوعی مولد و دیپ‌فیک، به یکی از محورهای اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده است. این تحولات، ابعاد جدیدی از امنیت ملی (شناختی و معرفتی) و گفتمان هویتی را به‌چالش کشیده‌اند. این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف، در پی ترسیم نقشه‌ای از آینده‌های بدیل عملیات رسانه‌ای و پیامدهای سیستمی آن بر سه‌گانه امنیت ملی، گفتمان هویتی و دیپلماسی بین‌الملل است. به این منظور، با بهره‌گیری از رویکردی کیفی-آینده‌پژوهانه، از روش ترکیبی دلفی (با مشارکت ۳۰ خبره در سه حوزه رسانه، امنیت و روابط بین‌الملل) و برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که دو عدم قطعیت بحرانی «رویکرد به حکمرانی فضای اطلاعاتی» (متمرکز در برابر غیرمتمرکز) و «ماهیت اکوسیستم رقابت رسانه‌ای» (رقابت ژئوپلیتیک در برابر همزیستی هوشمند)، محورهای اصلی شکل‌دهنده آینده‌های محتمل هستند. از تقاطع این دو محور، چهار سناریوی متمایز، استخراج شد: «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته»، «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی»، «دکترین دفاع شناختی فعال» و «اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور». تحلیل این سناریوها نشان می‌دهد که محتمل‌ترین آینده، ترکیبی از تنش‌های ژئوپلیتیک و هژمونی الگوریتمی خواهد بود، درحالی که تنها در سناریوی تاب‌آور است که امنیت ملی، گفتمان هویتی و توان دیپلماتیک به‌صورت هم‌افزا تقویت می‌شوند. این پژوهش با بازتعریف مفاهیمی چون امنیت شناختی و قدرت تیز در بستر آینده‌پژوهی، چهارچوبی نظری را برای مطالعات آتی در تقاطع رسانه، امنیت و هویت فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی

آینده‌پژوهی، عملیات رسانه‌ای، امنیت ملی، گفتمان هویتی، دیپلماسی بین‌الملل.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. استادیار دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

z.khedmati@kashanu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

mahdi.hajiahmadi1282@iau.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری مطالعات آمریکای شمالی، گروه مطالعات آمریکا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

dolatabadi.moham@ut.ac.ir

مقدمه

در دنیای امروز که اطلاعات به سرعت به عنوان منبع اصلی قدرت عمل می‌کند، عملیات رسانه‌ای از یک ابزار ساده اطلاع‌رسانی به مکانیسمی پیچیده برای شکل‌دهی ذهنیت‌ها و رفتارها تبدیل شده است. این تحول، چالش‌های اساسی برای امنیت ملی ایجاد کرده، زیرا تهدیدها دیگر محدود به مرزهای فیزیکی نیستند، بلکه به حوزه شناختی و هویتی نفوذ می‌کنند. چگونه می‌توان فهمید که این عملیات در آینده چگونه تکامل می‌یابند و بر انسجام اجتماعی و جایگاه کشورها در روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارند؟ این پرسش‌ها نشان می‌دهند که نیاز به تحلیلی عمیق‌تر از این پدیده وجود دارد تا سیاست‌گذاران بتوانند در برابر عدم قطعیت‌ها آماده شوند.

تحول در ماهیت قدرت در نظام بین‌الملل، از تمرکز بر توانمندی‌های مادی به سمت کنترل سپهر اطلاعاتی و روایت‌ها، پرسش‌های جدیدی را در حوزه مطالعات امنیتی و رسانه‌ای مطرح کرده است (Nye, 2021: 197). در این چهارچوب، عملیات رسانه‌ای به عنوان مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند برای تأثیرگذاری بر فرایندهای شناختی جوامع، از مدل‌های سنتی تبلیغات فراتر رفته و شامل تکنیک‌های پیچیده‌ای برای مدیریت باورها، رفتارها و اراده سیاسی شده است (Rid, 2020: 11; Betz, 2015: 3). این تحول با شتاب توسعه فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی مولد، الگوریتم‌های یادگیری عمیق و کلان‌داده‌ها همراه بوده که امکان تولید انبوه و هدفمند کمپین‌های اطلاعات نادرست را با دقت جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی فراهم می‌آورد (Bradshaw & Howard, 2019: 1; Kieslich, Diakopoulos, & Helberger, 2024: 2). نتیجه این فرایند، ظهور پارادایم «جنگ شناختی» است که ذهن انسان را به میدان اصلی رقابت تبدیل می‌کند (Claverie & Du Cluzel, 2021: 1)، و مفهوم امنیت ملی را به بازنگری واداشته تا ابعاد شناختی (Czosseck, Penétrat, & Boulegue, 2020: 313) و معرفتی (Carver, 2021: 1806) را نیز در بر گیرد.

در این بستر تحول‌آمیز و تغییرات سریع فناورانه در حوزه رسانه و با ظهور رویکردهای نوین مانند آینده‌پژوهی، مدل‌های پیش‌بینی خطی ناکارآمد گردیده و لزوم شناسایی پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های اثرگذار بر

آینده محرز گردیده (آل محمد و اسدی، 1403; Lätti et al., 2024). رسانه‌ها نیز از موقعیت سنتی روایت‌گر واقعیت به کنشگرانی فعال در عرصه رقابت‌های شناختی ارتقا یافته‌اند، و فناوری‌های نوین، مانند هوش مصنوعی مولد، پدیده‌هایی چون اطلاعات نادرست و قطبی‌سازی اجتماعی را پیچیده‌تر کرده‌اند (Kieslich et al., 2024).

این تحولات، پیوند میان عملیات رسانه‌ای، امنیت ملی و گفتمان هویتی را در کانون تحلیل قرار می‌دهند. فناورانه شدن ابزارهای نفوذ شناختی، مقیاس و اثربخشی عملیات رسانه‌ای را به طور اساسی دگرگون ساخته و تعریف سنتی امنیت ملی- که عمدتاً بر تهدیدات مادی متمرکز است- را به چالش کشیده است. همزمان، هدف‌گیری سیستماتیک روایت‌های هویتی در عملیات رسانه‌ای مدرن، انسجام اجتماعی و سرمایه اعتماد را تحت‌تأثیر قرار داده و پیامدهایی برای کنشگری دیپلماتیک پدید آورده است. علاوه بر این، رویکردهای امنیتی متداول در تحلیل و پاسخ به تهدیدات شناختی و ناملموس محدودیت‌های ساختاری نشان می‌دهند، زیرا چهارچوب‌های آنها برای مقابله با نفوذهای غیرملموس و روایی کافی نیست.

عملیات رسانه‌ای معاصر، با تمرکز سیستماتیک بر گفتمان هویتی به عنوان بستری برای انسجام ملی، از طریق ترویج روایت‌های جایگزین و محتوای قطبی‌کننده، شبکه‌های اعتماد و سرمایه اجتماعی را - که پایه‌های هویت جمعی هستند- تحت فشار قرار می‌دهد (Benkler, Faris, & Roberts, 2018: 12). این فرایند، پایداری کنشگری دیپلماتیک کشورها در محیطی با روایت‌های رقابتی را زیر سؤال می‌برد.

بررسی نظام‌مند ادبیات مرتبط حاکی از آن است که مطالعات موجود، هرچند غنی، عمدتاً از منظرهای مجزا به موضوع نگریسته‌اند. برای نمونه، تحلیل‌های تاریخی عملیات نفوذ (Rid, 2020) یا بررسی‌های تاکتیکی جنگ هیبریدی (Aro, 2016) بر گذشته متمرکزند و کمتر به برون‌یابی آینده می‌پردازند؛ در حالی که پژوهش‌های دیپلماسی دیجیتال (Bjola & Pamment, 2016) بیشتر بر ابزارها تأکید دارند و پیوند ساختاری با ابعاد هویتی و امنیتی را کمتر کاوش کرده‌اند. این پراکندگی مفهومی و روش‌شناختی، تحلیل سیستمی و آینده‌نگرانه از تکامل عملیات رسانه‌ای و پیامدهای درهم‌تنیده آن را محدود ساخته است.

در نتیجه، خلأ تحقیقاتی نبود رویکردی یکپارچه و میان‌رشته‌ای که با بهره‌گیری از روش‌شناسی ساختارمند آینده‌پژوهی - مانند برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو - مسیرهای محتمل تحول عملیات رسانه‌ای را مدل‌سازی کند و اثرات متقابل آن بر امنیت ملی، گفتمان هویتی و دیپلماسی بین‌الملل را در افق میان‌مدت تحلیل نماید، نمایان گردیده است.

پژوهش حاضر با هدف کاوش نظام‌مند این حوزه طراحی شده است تا به درک بهتر عدم قطعیت‌ها و پیامدهای مفهومی یاری رساند. در این چهارچوب، مطالعه بر پایه یک سؤال اصلی و سه سؤال فرعی بنا نهاده شده است:

سؤال اصلی: چگونه تحولات آینده‌ساز عملیات رسانه‌ای در عرصه بین‌الملل، امنیت ملی و گفتمان هویتی کشورها را در بستر دیپلماسی شکل خواهد داد؟

سوالات فرعی:

- ❖ کدام عوامل کلیدی و پیشران‌های ساختاری (با تأثیر بالا و عدم قطعیت زیاد) شکل‌دهنده آینده عملیات رسانه‌ای در عرصه بین‌الملل خواهند بود؟ (مرتبط با مرحله شناسایی پیشران‌ها در دور اول دلفی)
- ❖ چه سناریوهای محتمل و باورپذیری می‌توان بر اساس تعامل دو عدم قطعیت بحرانی، برای آینده عملیات رسانه‌ای ترسیم کرد؟ (مرتبط با مرحله انتخاب عدم قطعیت‌ها و طراحی محورهای سناریو)
- ❖ هر یک از سناریوهای ترسیم‌شده چه پیامدهای سیستمی بر ابعاد امنیت ملی، گفتمان هویتی و توانایی کنشگری دیپلماتیک خواهند داشت؟ (مرتبط با تحلیل پیامدها و استخراج درس‌های راهبردی در هر سناریو)

پیشینه پژوهش

ادبیات مرتبط با موضوع این پژوهش، هرچند از نظر کمی غنی است، اما از نظر کیفی و روش‌شناختی با چالش‌هایی مواجه می‌باشد. بررسی نظام‌مند مطالعات نشان می‌دهد که این ادبیات، علی‌رغم پرداختن به جنبه‌های مختلف پدیده‌های رسانه‌ای، امنیتی و هویتی، از توانایی تحلیل سیستمی تحولات آینده‌ساز در تقاطع این حوزه‌ها برخوردار نیست. بسیاری از پژوهش‌ها در چهارچوب‌های انضباطی

مجزا انجام شده‌اند و این امر مانع از درک همه‌جانبه از پیچیدگی‌های رقابت‌های شناختی در نظام بین‌الملل شده است.

در حوزه آینده‌پژوهی، نقیب‌السادات و همکاران (۱۴۰۰) با به‌کارگیری برنامه‌ریزی سناریو، آینده سواد رسانه‌ای در ایران را ترسیم کرده‌اند و نشان داده‌اند که این روش می‌تواند در مواجهه با عدم قطعیت‌های فناورانه مؤثر باشد. با این حال، این پژوهش به تحولات ژئوپلیتیکی یا امنیتی آینده عملیات رسانه‌ای نپرداخته است. به‌همین ترتیب، آل محمد و اسدی (۱۴۰۳) و تقی‌پور و همکاران (۱۴۰۴) به بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر روزنامه‌نگاری و صنایع رسانه‌ای پرداخته‌اند و بر لزوم تلفیق فناوری با ارزش‌های انسانی تأکید کرده‌اند. این مطالعات داخلی، هرچند گام‌هایی در جهت آینده‌پژوهی رسانه برداشته‌اند، اما تحلیل آن‌ها بیشتر در سطح کلان و بدون تبیین ارتباط سیستمی با ابعاد امنیتی و دیپلماتیک باقی مانده است.

در حوزه فناوری و رسانه، دیاکوپولوس^۱ (۲۰۱۹) در کتاب «خودکارسازی اخبار» به‌خوبی نشان داده که هوش مصنوعی چگونه ارزش‌های خبری، فرایندهای تولید و چالش‌های شفافیت را بازتعریف می‌کند. کیسلیش^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نیز در یک مطالعه آینده‌پژوهانه، پیامدهای هوش مصنوعی مولد بر محیط خبری را بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که آینده این فناوری‌ها به تصمیمات حکمرانی وابسته است و می‌تواند هم به کیفیت اخبار و هم به گسترش پروپاگاندا منجر شود. هر دو مطالعه، هرچند دقیق و فناوری‌محور هستند، اما از ارتباط این تحولات با اهداف استراتژیک عملیات رسانه‌ای و پیامدهای آن بر امنیت ملی غفلت کرده‌اند. هالین و مانچینی^۳ (۲۰۲۴) در اثر کلاسیک «مقایسه نظام‌های رسانه‌ای» چهارچوبی ارائه داده‌اند که نشان می‌دهد ساختار رسانه‌ها عمیقاً با نظام سیاسی گره خورده است. این دیدگاه توسط هامپرشت^۴ و همکاران (۲۰۲۲) در عصر دیجیتال

1. Diakopoulos.
2. Kieslich.
3. Hallin & Mancini.
4. Humprecht.

به‌روزرسانی شده و تأیید شده که تفاوت‌های ساختاری میان نظام‌های رسانه‌ای ملی همچنان پابرجاست، حتی در عصر جهانی شدن پلتفرم‌ها.

در حوزه تهدیدات رسانه‌ای، بنکلا^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در کتاب «پروپاگاندا ی شبکه‌ای» با تحلیل داده‌های گسترده نشان داده‌اند که اکوسیستم رسانه‌ای مدرن به‌دلیل ساختار نامتقارن و قطبی‌شده، مستعد تقویت اطلاعات نادرست است. آن‌ها این پدیده را بیش‌از یک مشکل فناورانه، بحرانی ساختاری در اکولوژی رسانه‌ای می‌دانند. تاکر و وایس^۲ (۲۰۲۰) نیز در یک مقاله مروری، تحول عملیات نفوذ رسانه‌ای از جنگ سرد تا عصر دیجیتال را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که پلتفرم‌های اجتماعی هزینه اجرای کمپین‌های اطلاعات نادرست را کاهش داده و امکان «هدف‌گیری خرد» را فراهم کرده‌اند. این یافته‌ها، هرچند درک دقیقی از مکانیسم‌های فنی فراهم می‌کنند، اما کمتر به پیامدهای آن بر هویت جمعی و امنیت هستی‌شناختی پرداخته‌اند.

در حوزه امنیت راهبردی، فریدمن^۳ (۲۰۱۷) با تحلیل دکترین نظامی روسیه، نشان داده که «اقدامات فعال»^۴ دیگر یک ابزار جانبی نیست، بلکه به‌بخش مرکزی از راهبرد امنیت ملی روسیه برای تضعیف انسجام سیاسی دشمنانش تبدیل شده است. رنتس^۵ (۲۰۱۶) نیز در تحلیل «جنگ هیبریدی»، تأکید می‌کند که هدف اصلی این جنگ، دستکاری «ادراک» و ایجاد سردرگمی در فرایند تصمیم‌گیری دشمن است. این دو مطالعه، با وجود تمرکز قوی بر تاکتیک‌های راهبردی، کمتر به پیامدهای آن بر گفتمان هویتی و دیپلماسی عمومی پرداخته‌اند. در مقابل، کارور^۶ (۲۰۲۱) با معرفی «امنیت معرفتی» و اریکسون و نورمن^۷ (۲۰۲۱) با بررسی «تاب‌آوری سیاسی» نشان داده‌اند که مقابله با اطلاعات نادرست نیازمند تقویت نهادهای دموکراتیک، کاهش قطبی‌سازی و اعتماد عمومی است. با این‌حال، این رویکردها بیشتر در

1. Benkler.

2. Tucker & Wihbey.

3. Fridman.

4. Active Measures.

5. Renz.

6. Carver.

7. Eriksson & Norman.

سطح جامعه‌مداری و فردی متمرکز بوده و از چهارچوب یکپارچه‌ای برای هماهنگی با راهبردهای ملی و دیپلماتیک برخوردار نیستند.

در حوزه گفتمان و هویت، میسکیمون^۱ و همکاران (۲۰۱۳) در کتاب «روایت‌های راهبردی» استدلال کرده‌اند که قدرت در نظام بین‌الملل امروز به توانایی بازیگران در تثبیت روایت مطلوب بستگی دارد و روایت‌ها ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به کنش‌های خود و نامشروع‌سازی رقبا هستند. بیولا^۲ (۲۰۱۵) نیز در تحلیل «دیپلماسی دیجیتال» نشان داده که رسانه‌های اجتماعی، دیپلماسی را از فضای انحصاری دولتی به محیطی رقابتی و چندبازیگری تبدیل کرده‌اند و کنترل روایت را دشوارتر کرده‌اند. میتزن^۳ (۲۰۰۶) در مقاله کلاسیک خود، مفهوم «امنیت هستی‌شناختی» را معرفی کرده و تأکید دارد که دولت‌ها نه تنها به دنبال بقای فیزیکی، بلکه به دنبال حفظ حس ثبات در هویت خود هستند. این سه مطالعه، با وجود غنای مفهومی، کمتر به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه عملیات رسانه‌ای مدرن به‌طور سیستماتیک این زیرساخت‌های هویتی را هدف قرار می‌دهد.

در نهایت، نوریس و اینگلهارت^۴ (۲۰۱۹) در کتاب «واکنش فرهنگی» با تحلیل داده‌های پیمایشی، نشان داده‌اند که ظهور پوپولیسم اقتدارگرا در دموکراسی‌های غربی با فرسایش اعتماد به نهادهای لیبرال مرتبط است و کمپین‌های اطلاعات نادرست از این فضا تغذیه می‌کنند. این یافته، پیوند عمیق میان تهدیدات رسانه‌ای و بحران‌های سیاسی-هویتی را آشکار می‌سازد، اما همچنان در چهارچوب تحلیل جامعه‌شناختی باقی مانده و از راهبردهای راهبردی برای آینده‌نگری فاصله گرفته است.

در مجموع، ادبیات موجود سه خلأ اساسی را آشکار می‌سازد: اول، تجزیه‌طلبی مفهومی که هر مطالعه را در یک حوزه انضباطی محدود کرده و از تحلیل تعاملات سیستمی میان عملیات رسانه‌ای، گفتمان هویتی، امنیت ملی و دیپلماسی جلوگیری کرده است؛ دوم، نگاه غیرآینده‌نگر که بر گذشته یا حال متمرکز بوده و از ابزارهای

1. Benk Miskimmon.
2. Bjola.
3. Mitzen.
4. Norris & Inglehart.

ساختارمند پیش‌بینی آینده‌های بدیل غفلت کرده است؛ و سوم، محدودیت روش‌شناختی در مواجهه با پیچیدگی و عدم قطعیت تحولات فناورانه، جایی که رویکردهای خطی دیگر کارآمد نیستند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش ترکیبی دلفی-سناریونویسی، در پی پر کردن این خلأهاست تا نه تنها مسیرهای محتمل تحول عملیات رسانه‌ای را شناسایی کند، بلکه پیامدهای متقابل آن را بر سه سازه کلیدی (امنیت ملی، گفتمان هویتی و دیپلماسی بین‌الملل) در افق آینده به‌صورت سیستمی تحلیل نماید.

چهارچوب نظری

این پژوهش بر پایه ادغام چهار حوزه آینده‌پژوهی، عملیات رسانه‌ای، امنیت ملی و گفتمان هویتی شکل گرفته است؛ اما برخلاف رویکردهایی که این مفاهیم را به‌صورت جداگانه و در چهارچوب‌های انضباطی مجزا بررسی می‌کنند، این مطالعه آن‌ها را در قالب یک چهارچوب مفهومی سیستمی و پویا تحلیل می‌نماید که مستقیماً از ادبیات علمی استخراج شده و پیوندهای علی میان مؤلفه‌های آن بر اساس شواهد تجربی و نظری شفاف است. این چهارچوب، پاسخ به سؤال اصلی پژوهش را فراهم می‌آورد: چگونه تحولات آینده‌ساز عملیات رسانه‌ای، امنیت ملی و گفتمان هویتی را در عرصه دیپلماسی بین‌الملل شکل خواهد داد؟

در مرکز این چهارچوب، عملیات رسانه‌ای قرار دارد، البته نه به‌معنای تولید محتوا، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات راهبردی برای دستکاری محیط اطلاعاتی جهت تأثیرگذاری بر فرایندهای شناختی، باورها و رفتارهای جوامع (Rid, 2020: 15). این تعریف، فراتر از مفاهیم سنتی تبلیغات یا نفوذ فرهنگی است و به ساختار عمیق‌تر قدرت در عصر دیجیتال اشاره دارد. در این عصر، سیستم‌های رسانه‌ای دیگر دو قطب سنتی-دیجیتال نیستند، بلکه به یک اکوسیستم هیبریدی تبدیل شده‌اند که در آن منطق دروازه‌بانی خبری با منطق الگوریتمی پلتفرم‌ها در هم تنیده است (Chadwick, 2017). در این بستر، قدرت دیگر در دست مالکان محتوا نیست، بلکه در کنترل زیرساخت‌های توزیع و جلب توجه نهفته است. پلتفرم‌های دیجیتال، بر اساس منطق «اقتصاد توجه»، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که محتوای هیجان‌انگیز، جنجالی و قطبی‌کننده را از طریق الگوریتم‌ها تقویت کنند

(Humprecht et al., 2022). این ساختار، بستری ایده‌آل برای اجرای عملیات نفوذ فراهم می‌آورد.

تاکتیک‌های این عملیات نیز به‌شدت پیچیده شده‌اند. «پروپاگاندای محاسباتی» به استفاده هم‌هنگ از ربات‌های اجتماعی، الگوریتم‌ها و کاربران انسانی برای انتشار هدفمند روایت‌های خاص اشاره دارد (Howard & Woolley, 2016). در کنار آن، «شستشوی اطلاعات» فرایندی است که در آن یک اطلاعات نادرست ابتدا در فضاهای حاشیه‌ای شبکه منتشر شده، سپس به‌تدریج توسط منابع جعلی و سرانجام رسانه‌های معتبرتر بازنشر می‌شود تا منشأ آن پنهان بماند. هدف نهایی این راهبردها دیگر «متقاعدسازی» نیست، بلکه ایجاد خلل در درک جمعی از واقعیت و فرسایش اعتماد به کل نظام اطلاعاتی است (Benkler et al., 2018). این فرایند، در واقع، حمله‌ای سیستماتیک به زیرساخت‌های شناختی یک جامعه محسوب می‌شود.

این تهاجم مستقیماً بر گفتمان هویتی، به‌عنوان زیرساخت نرم‌افزاری امنیت ملی، تأثیر می‌گذارد. از منظر نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، هویت ملی یک سازه پویا است که منافع و کنش‌های سیاسی یک دولت را شکل می‌دهد (Wendt, 1992). این هویت از طریق گفتمان (مجموعه‌ای از روایت‌ها، نمادها و ارزش‌های مشترک که پاسخی به پرسش‌های «ما که هستیم؟» و «جایگاه ما در جهان کجاست؟» ارائه می‌دهد) بازتولید می‌شود. گفتمان هویتی، علاوه بر ایجاد انسجام داخلی، امنیت هستی‌شناختی را تضمین می‌کند؛ یعنی حس تداوم، ثبات و مشروعیت در هویت یک دولت‌ملت در برابر تحولات خارجی (Mitzen, 2006: 342). دیپلماسی عمومی یک کشور نیز در عمل، تلاشی برای بازتاب و مشروعیت‌بخشی به همین گفتمان در عرصه بین‌المللی است.

عملیات رسانه‌ای مدرن دقیقاً این زیرساخت را هدف قرار می‌دهد. از طریق ترویج «روایت‌های راهبردی» رقیب، سعی می‌کند روایت رسمی یک کشور از تاریخ، ارزش‌ها و اهداف راهبردی‌اش را به چالش بکشد (Miskimmon et al., 2013). این اقدامات را می‌توان در چهارچوب مفهوم «قدرت تیز» تحلیل کرد؛ برخلاف «قدرت نرم» که بر جذابیت فرهنگی مبتنی است، قدرت تیز بر دستکاری،

نفوذ و ایجاد اختلال در محیط سیاسی و اطلاعاتی کشور هدف متمرکز است (Walker & Ludwig, 2017). این حملات، با ایجاد تردید در حافظهٔ جمعی، برجسته‌سازی شکاف‌های قومی یا مذهبی و ترویج هویت‌های واگرا، امنیت هستی‌شناختی یک ملت را تضعیف کرده و زیربنای هویتی سیاست خارجی و توانایی آن برای کنشگری دیپلماتیک مؤثر را متزلزل می‌سازند. در این فرایند، هویت، که پیش از این بافتی انسانی و فرهنگی داشت، به کالایی قابل دستکاری توسط قدرت تبدیل شده است (حاجی‌احمدی و همکاران، ۱۴۰۴).

در نتیجه، امنیت ملی دیگر محدود به حفاظت از تمامیت ارضی یا ثبات اقتصادی نیست، بلکه ابعاد جدیدی را در بر می‌گیرد: بعد شناختی و بعد معرفتی. امنیت شناختی، به معنای حفاظت از فرایندهای شناختی افراد و جامعه در برابر دستکاری و نفوذ خارجی است (Czosseck et al., 2020: 313). تهدیدات نوین، بیش از آنکه زیرساخت‌های فیزیکی را هدف قرار دهند، «زیرساخت‌های شناختی» یک ملت (شامل اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و درک مشترک از واقعیت) را نشانه می‌گیرند. از این منظر، کمپین‌های اطلاعات نادرست و عملیات روانی، تهدیداتی مستقیم برای امنیت ملی محسوب می‌شوند، زیرا می‌توانند با فرسایش سرمایهٔ اجتماعی و تضعیف مشروعیت نهادها، تاب‌آوری یک کشور را از درون متلاشی کنند (Aro, 2016). بنابراین، پایداری امنیت ملی در جهان امروز، به‌طور فزاینده‌ای به توانایی یک دولت برای تأمین «امنیت معرفتی» شهروندانش وابسته است (Carver, 2021).

در چنین محیطی از جنگ شناختی، آینده‌پژوهی، به‌عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای که به‌جای پیش‌بینی قطعی، به شناسایی و تحلیل «آینده‌های بدیل» می‌پردازد (Bell, 2003: 73)، از اهمیت راهبردی برخوردار است. روش «برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو»، با تحلیل پیشران‌های کلیدی و انتخاب دو یا چند عدم قطعیت بحرانی، امکان ترسیم روایت‌هایی منسجم، باورپذیر و چالش‌برانگیز از آینده‌های محتمل را فراهم می‌آورد (Schwartz, 1996). این رویکرد به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد تا از تفکر خطی فاصله گرفته، در برابر غافلگیری‌های راهبردی آماده شوند و برای طیف وسیع‌تری از آینده‌ها، راهبردهای تاب‌آورانه طراحی کنند. در حوزه رسانه، این روش‌ها به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا تغییرات گسترده ناشی از فناوری‌های

نویسن را تحلیل کرده و چشم‌اندازهای ممکن، محتمل و مرجح را شناسایی نمایند (De-Lima-Santos & Ceron, 2021).

براساس این تحلیل نظری، چهارچوب مفهومی این پژوهش به‌صورت یک مدل علی سیستمی پیشنهاد می‌شود که مستقیماً از ادبیات استخراج شده است:

❖ عملیات رسانه‌ای نوین (به‌عنوان متغیر مستقل) که تکامل آن توسط پیشران‌های فناوریانه (مانند هوش مصنوعی مولد) و ژئوپلیتیک (مانند رقابت چندقطبی) هدایت می‌شود،

❖ بر گفتمان هویتی (به‌عنوان متغیر میانجی) تأثیر مستقیم می‌گذارد؛ یعنی از طریق دستکاری روایت‌های ملی، ایجاد تردید در حافظه جمعی و ترویج هویت‌های واگرا، انسجام گفتمانی را از هم منفک می‌نماید.

❖ این تضعیف گفتمانی، به‌نوبه خود، امنیت ملی (در ابعاد شناختی، معرفتی و هستی‌شناختی، به‌عنوان متغیر وابسته) را تحت تأثیر قرار می‌دهد،

و این فرایند کلی در بستر دیپلماسی بین‌الملل رخ می‌دهد، جایی که یک گفتمان هویتی ضعیف، به کاهش قدرت نرم، تضعیف مشروعیت بین‌المللی و کاهش ظرفیت کنشگری دیپلماتیک یک کشور منجر می‌شود.

از آنجا که شدت و مسیر این روابط در آینده با عدم قطعیت‌های فراوانی (از جمله سرعت نوآوری فناوریانه و تحولات ژئوپلیتیک جهانی) همراه است، این پژوهش از ابزارهای ترکیبی دلفی- سناریونویسی برای کاوش سیستماتیک از سناریوهای محتمل و تحلیل پیامدهای سیستمی آن‌ها بهره می‌برد.

روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از منظر رویکرد، کیفی و آینده‌پژوهانه است. از دیدگاه فلسفه پژوهش، این مطالعه در پارادایم تفسیری-سازندگانارانه جای می‌گیرد؛ زیرا بر این باور استوار است که آینده، ساخته‌ای اجتماعی است که از طریق برخورد دانش نظری، خرد جمعی خبرگان و پیشران‌های ساختاری شکل می‌گیرد. در چنین چهارچوبی، هدف پژوهش «پیش‌بینی» نیست، بلکه ترسیم

آینده‌های بدیل براساس سناریوهایی باورپذیر، چالش‌برانگیز و مبتنی بر شواهد است. روش اصلی پژوهش، ترکیبی از تکنیک دلفی و برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو است. این تلفیق، امکان بهره‌گیری همزمان از دانش نظام‌مند ادبیات و خرد جمعی نخبگان را فراهم می‌آورد. هم‌روسازی این دو روش بر اساس رویکردی است که Schwartz (۱۹۹۶) و Schoemaker (۱۹۹۳) در حوزه آینده‌پژوهی تبیین کرده‌اند. جامعه هدف، شامل صاحب‌نظران و متخصصان سه حوزه رسانه و ارتباطات، مطالعات امنیتی-راهبردی و روابط بین‌الملل است. انتخاب ۳۰ خبره به‌صورت هدفمند انجام شد و معیارهای اصلی عبارت بودند از:

- ❖ داشتن دکتری یا سابقه تحقیقی معتبر در یکی از حوزه‌های مذکور (برای اعضای دانشگاهی)؛
- ❖ یا داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه اجرایی مؤثر در سازمان‌های مرتبط (برای مدیران و کارشناسان عالی‌رتبه).
- ❖ علاوه بر آن، تنوع حوزه‌ای (۱۰ نفر از هر حوزه) و تعادل جنسیتی (۱۳ زن، ۱۷ مرد) در نظر گرفته شد تا از هم‌خوانی ذهنی و سوگیری اقلیمی جلوگیری شود.

فرایند پژوهش در چهار مرحله ساختاریافته انجام پذیرفت:

مرحله اول: شناسایی پیشران‌های کلیدی (دور اول دلفی): بر اساس مرور ادبیات و اسناد راهبردی، یک پرسشنامه کیفی باز طراحی و میان خبرگان توزیع شد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آینده عملیات رسانه‌ای تا افق ۲۰۳۵ را فهرست کنند. نقش پژوهشگر در این مرحله، فراتر از جمع‌آوری پاسخ‌ها بود: ابتدا با کدگذاری باز، سپس کدگذاری محوری و سرانجام استخراج تم‌های بالادست، تعداد پاسخ‌های اولیه را به ۳۳ عامل کلیدی تقلیل دادیم. این عوامل سپس در چهارچوب STEEP (اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، محیط‌زیستی، سیاسی) طبقه‌بندی شدند تا از جامعیت پوشش مطمئن شویم.

مرحله دوم: انتخاب عدم قطعیت‌های بحرانی (دور دوم دلفی): در این مرحله، لازم بود بین «عامل کلیدی»، «پیشران» و «عدم قطعیت بحرانی» تمایز قائل شویم.

عملیات رسانه‌ای آینده محور و تأثیر آن بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل

تمام عوامل کلیدی (۳۳ مورد) به‌عنوان پیش‌شرایح احتمالی در نظر گرفته شدند. سپس، خبرگان از طریق پرسشنامه کمی، هر پیش‌شرایح را بر اساس دو معیار «تأثیر» و «عدم قطعیت» (بر اساس مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای) ارزیابی کردند.

بر اساس مبانی روش‌شناختی سناریونویسی (Schwartz, 1996)، عدم قطعیت‌های بحرانی باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند:

❖ بالاترین تأثیر سیستمی بر آینده؛

❖ بالاترین میزان عدم قطعیت در مسیر تحول؛

❖ مستقل از یکدیگر (غیرهمبسته).

دو پیش‌شرایح که این معیارها را بهترین‌شکل برآورده می‌کردند، به‌عنوان محورهای سناریو انتخاب شدند.

مرحله سوم: طراحی ماتریس و منطق سناریوها: دو عدم قطعیت بحرانی به‌عنوان محورهای افقی و عمودی یک ماتریس ۲×۲ در نظر گرفته شدند و چهار فضای مفهومی منحصربه‌فرد (هر یک پایه یک سناریو) ایجاد گردید.

مرحله چهارم: تدوین و اعتبارسنجی سناریوها: پژوهشگر با اتکا به داده‌های کیفی دور اول دلفی، ادبیات علمی و منطق هر خانه ماتریس، چهار سناریوی روایی تدوین کرد. در پایان، پیش‌نویس سناریوها به زیرمجموعه‌ای از خبرگان ارسال شد و نظرات اصلاحی آن‌ها دربارهٔ انسجام درونی، باورپذیری و تمایز در نسخه نهایی لحاظ گردید.

برای تضمین روایی، طراحی پرسشنامه‌ها پیش از اجرا توسط ۵ خبره مستقل در سه حوزه پژوهشی ارزیابی شد. همچنین، اعتبارسنجی مشارکتی با خبرگان و تطبیق سناریوها با چهارچوب نظری، انسجام مفهومی را تقویت کرد. برای تأمین پایایی، تمامی مراحل، از کدگذاری کیفی تا تحلیل آماری دور دوم، به‌صورت شفاف مستندسازی شد تا امکان تکرارپذیری فراهم گردد. تحلیل داده‌های دور دوم دلفی نیز با استفاده از میانگین و انحراف معیار انجام شد تا پایداری قضاوت‌های خبرگان سنجیده شود.

جدول ۱- اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	کد	تحصیلات	سن	جنسیت	حوزه فعالیت
۱	P۱	دکتری	۴۷	زن	استاد دانشگاه
۲	P۲	دکتری	۴۴	مرد	استاد دانشگاه
۳	P۳	ارشد	۳۴	زن	مدیر اجرایی
۴	P۴	ارشد	۵۵	مرد	کارشناس اجرایی
۵	P۵	دکتری	۵۰	مرد	استاد دانشگاه
۶	P۶	دکتری	۵۶	مرد	استاد دانشگاه
۷	P۷	دکتری	۳۹	مرد	استاد دانشگاه
۸	P۸	دکتری	۴۹	زن	استاد دانشگاه
۹	P۹	دکتری	۶۲	مرد	استاد دانشگاه
۱۰	P۱۰	ارشد	۳۹	زن	مدیر اجرایی
۱۱	P۱۱	دکتری	۶۳	مرد	مدیر اجرایی
۱۲	P۱۲	دکتری	۳۲	مرد	پژوهشگر و کارشناس
۱۳	P۱۳	ارشد	۲۹	مرد	پژوهشگر و کارشناس
۱۴	P۱۴	ارشد	۵۱	مرد	پژوهشگر و کارشناس
۱۵	P۱۵	ارشد	۳۴	زن	پژوهشگر و کارشناس
۱۶	P۱۶	دکتری	۵۶	زن	پژوهشگر و کارشناس
۱۷	P۱۷	ارشد	۳۵	زن	مدیر اجرایی
۱۸	P۱۸	دکتری	۵۰	مرد	مدیر اجرایی
۱۹	P۱۹	دکتری	۶۲	مرد	مدیر اجرایی
۲۰	P۲۰	ارشد	۴۰	مرد	پژوهشگر و کارشناس
۲۱	P۲۱	دکتری	۳۹	مرد	پژوهشگر و کارشناس
۲۲	P۲۲	ارشد	۳۳	زن	پژوهشگر و کارشناس
۲۳	P۲۳	دکتری	۶۷	مرد	استاد دانشگاه
۲۴	P۲۴	دکتری	۳۹	مرد	استاد دانشگاه
۲۵	P۲۵	دکتری	۴۷	زن	استاد دانشگاه
۲۶	P۲۶	دکتری	۵۱	مرد	استاد دانشگاه
۲۷	P۲۷	ارشد	۴۵	مرد	مدیر اجرایی
۲۸	P۲۸	ارشد	۳۹	زن	مدیر اجرایی
۲۹	P۲۹	ارشد	۵۶	مرد	مدیر اجرایی
۳۰	P۳۰	ارشد	۵۵	مرد	مدیر اجرایی

یافته‌های پژوهش

این بخش به ارائه نظام‌مند نتایج حاصل از اجرای چهار مرحله‌ای روش تحقیق می‌پردازد. یافته‌ها به ترتیب مراحل روش‌شناختی ارائه می‌شوند تا سیر منطقی استخراج پیشران‌ها، انتخاب عدم قطعیت‌های بحرانی و در نهایت، تدوین سناریوهای آینده به وضوح نمایش داده شود.

مرحله اول: شناسایی پیشران‌های کلیدی (دور اول دلفی)

در مرحله اول، مطابق با روش‌شناسی، از طریق پرسشنامه باز از ۳۰ متخصص عضو پانل، مجموعه‌ای از عوامل و روندهای مؤثر بر آینده عملیات رسانه‌ای مورد پرسش واقع شد. پس از تحلیل محتوای کیفی پاسخ‌ها و حذف موارد همپوشان، فهرست جامعی شامل ۳۳ پیشران کلیدی استخراج گردید. این پیشران‌ها در چهار دسته اصلی فناوریانه، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی- حکومتی، و سازمانی- اقتصادی طبقه‌بندی شدند که هرکدام به‌نوبه خود می‌توانند بر آینده عملیات رسانه‌ای تأثیرگذار باشند.

مرحله دوم: غربالگری و تعیین عدم قطعیت‌های بحرانی

در مرحله دوم، فهرست ۳۳ پیشران مذکور در قالب یک پرسشنامه کمی به همان پانل متخصصان ارائه شد (دور دوم دلفی)، تا هر پیشران را بر اساس دو معیار «میزان تأثیرگذاری» و «میزان عدم قطعیت» در مقیاس ۱ تا ۱۰ نمره‌دهی کنند. میانگین نمرات کسب‌شده توسط هر پیشران در جدول ۲ ارائه شده است. این جدول، مبنای اصلی برای شناسایی متغیرهای راهبردی است.

جدول ۲- عوامل تأثیرگذار بر آینده عملیات رسانه‌ای

کد عامل	عوامل فناوریانه	میزان اهمیت (از ۱۰)	میزان عدم قطعیت (از ۱۰)
T1	هوش مصنوعی و یادگیری عمیق	۹/۸	۶/۷۵
T2	فناوری دیپ‌فیک	۹/۵	۹
T3	متاورس و واقعیت مجازی / افزوده	۸/۲۵	۸

کد عامل	عوامل فناورانه	میزان اهمیت (از ۱۰)	میزان عدم قطعیت (از ۱۰)
T۴	بلاکچین و غیرمتمرکزسازی	۶/۵	۶
T۵	اینترنت اشیا	۵	۵/۷۵
T۶	فناوری‌های ارتباطی نسل پنجم و ششم	۷	۵/۲۵
TV	تحلیل کلان‌داده‌ها	۸	۶/۲۵
T۸	پردازش ابری ^۲	۵	۴
T۹	ابزارهای جمع‌سپاری ^۳	۴/۵	۴
T۱۰	محتوای تولید شده توسط کاربران	۵/۲۵	۳/۵
T۱۱	رابطه‌های مغز و کامپیوتر	۳	۹/۵
T۱۲	مدل‌های زبانی پیشرفته	۷/۲۵	۵
عوامل اجتماعی و فرهنگی			
SC۱	ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی	۹/۸	۴
SC۲	افزایش شکاف دیجیتال	۶	۵
SC۳	از بین رفتن مرز میان محتوای انسانی و ماشینی	۸/۵	۷
SC۴	کاهش اعتماد به منابع سنتی	۹	۶/۵
SC۵	امنیت روانی جامعه	۸/۷۵	۷/۲۵
SC۶	تغییر از تماشاگری منفعل به مشارکت‌کننده فعال	۷/۵	۵/۵
SC۷	همگرایی فناوری‌ها و تغییرات اجتماعی	۶/۲۵	۶
SC۸	تقویت سرمایه اجتماعی	۷	۳/۵
عوامل سیاسی و حکومتی			

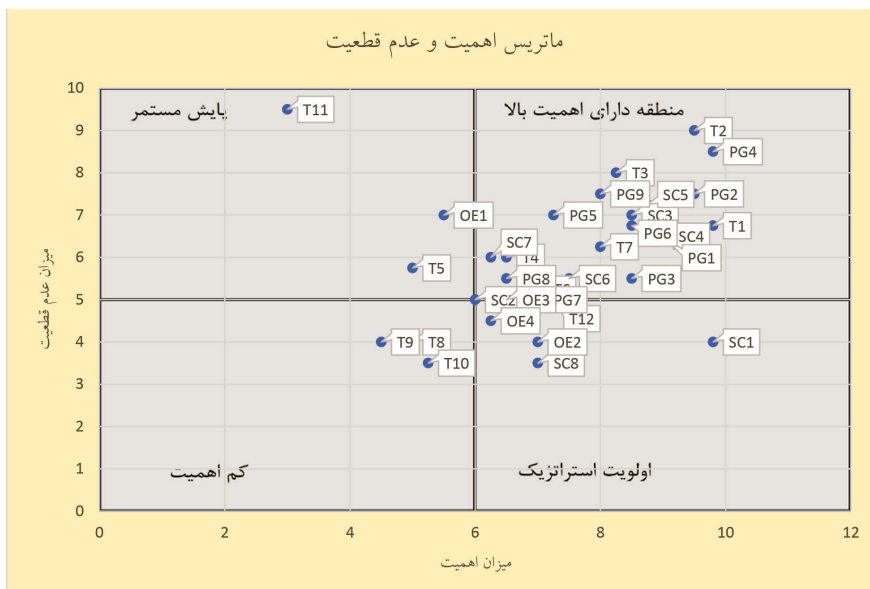
1. Big Data.
2. Cloud Computing.
3. Crowdsourcing.

عملیات رسانه‌ای آینده محور و تاثیر آن بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل

کد عامل	عوامل فناورانه	میزان اهمیت (از ۱۰)	میزان عدم قطعیت (از ۱۰)
PG۱	سیاست‌های جامع رسانه‌ای	۹	۶/۵
PG۲	حاکمیت دیجیتال و استقلال اطلاعاتی	۹/۵	۷/۵
PG۳	توسعه زیرساخت‌های امن و مستقل	۸/۵	۵/۵
PG۴	مبارزه با عملیات روانی و اطلاعات نادرست	۹/۸	۸/۵
PG۵	همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی	۷/۲۵	۷
PG۶	ایجاد نهادهای نظارتی و پاسخ‌دهی سریع	۸/۵	۶/۷۵
PG۷	تولید محتوای مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی	۷	۵
PG۸	توجه به دیپلماسی رسانه‌ای فعال	۶/۵	۵/۵
PG۹	توسعه چهارچوب‌های حقوقی هوشمند	۸	۷/۵
عوامل سازمانی و اقتصادی			
OE۱	تغییر مدل‌های کسب‌وکار	۵/۵	۷
OE۲	افزایش دقت و کارایی عملیات	۷	۴
OE۳	تنوع بخشیدن به منابع خبری	۶/۵	۵
OE۴	حمایت از رسانه‌های مستقل	۶/۲۵	۴/۵

مرحله سوم: ساخت ماتریس و منطق سناریوها

در این مرحله، براساس داده‌های مرحله قبل (جدول ۲)، دو عدم قطعیت بحرانی برای ساختن محوره‌های سناریو انتخاب شدند. این پیشران‌ها، آنهایی هستند که بالاترین امتیاز ترکیبی را در هر دو معیار «تأثیرگذاری» و «عدم قطعیت» کسب کرده‌اند و در ربع بالای سمت راست ماتریس اهمیت-عدم قطعیت (شکل ۱) قرار می‌گیرند.



شکل ۱- ماتریس اهمیت - عدم قطعیت عوامل تأثیرگذار

جدول ۳- عوامل کلیدی و تأثیرگذار در آینده عملیات رسانه‌ای

کد عامل	عوامل کلیدی	میزان اهمیت (از ۱۰)	میزان عدم قطعیت (از ۱۰)
T1	هوش مصنوعی و یادگیری عمیق	۹/۸	۶/۷۵
T2	فناوری دیپفیک	۹/۵	۹
SC4	کاهش اعتماد به منابع سنتی	۹	۶/۵
SC5	امنیت روانی جامعه	۸/۷۵	۷/۲۵
PG1	سیاست‌های جامع رسانه‌ای	۹	۶/۵
PG2	حاکمیت دیجیتال و استقلال اطلاعاتی	۹/۵	۷/۵
PG4	مبارزه با عملیات روانی و اطلاعات نادرست	۹/۸	۸/۵

عملیات رسانه‌ای آینده محور و تأثیر آن بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل

تحلیل ماتریس نشان می‌دهد که پیشران‌هایی مانند «مبارزه با عملیات روانی و اطلاعات نادرست (PG4)»، «فناوری دیپ‌فیک (T2)»، و «حاکمیت دیجیتال و استقلال اطلاعاتی (PG۲)» حیاتی‌ترین و نامشخص‌ترین عوامل هستند. با توجه به ماهیت درهم‌تنیده این عوامل، دو محور راهبردی زیر به عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی برای تدوین سناریوها انتخاب شدند:

محور اول: رویکرد به حکمرانی فضای اطلاعاتی: این محور که از پیشران‌هایی چون (PG4) و (PG2) منتج می‌شود، طیفی از رویکردها را در بر می‌گیرد. در یک سوی این طیف، «کنترل متمرکز و دولتی» قرار دارد که در آن دولت‌ها به بهانه امنیت ملی، کنترل شدیدی بر فضای سایبری و رسانه‌ای اعمال می‌کنند. در سوی دیگر، «نظارت غیرمتمرکز و الگوریتمی» قرار دارد که در آن پلتفرم‌های بزرگ فناوری و الگوریتم‌هایشان، بازیگران اصلی مدیریت جریان اطلاعات هستند و دولت‌ها نقش حداقلی دارند.

محور دوم: ماهیت اکوسیستم رقابت رسانه‌ای: این محور که از پیشران‌هایی چون (T2) و فضای کلی ژئوپلیتیک الهام گرفته، به وضعیت رقابت در عرصه رسانه می‌پردازد. یک سوی آن، «رقابت شدید و جنگ روایی چندقطبی» است که در آن بازیگران دولتی و غیردولتی از فناوری‌های پیشرفته برای نبرد اطلاعاتی استفاده می‌کنند. در سوی دیگر، «همزیستی هوشمند و تاب‌آوری جمعی» قرار دارد که در آن، از طریق همکاری، آموزش (سواد رسانه‌ای) و تنظیم‌گری مشترک، نوعی تعادل و موازنه میان بازیگران برقرار است.

از تقاطع این دو محور، ماتریس ۲×۲ سناریوها شکل گرفت که چهار فضای منطقی متمایز را ایجاد می‌کند. بر اساس دو عدم قطعیت بحرانی منتخب (۱). رویکرد به حکمرانی فضای اطلاعاتی و ۲. ماهیت اکوسیستم رقابت رسانه‌ای)، ماتریس سناریوها به صورت زیر شکل گرفت. هر یک از خانه‌های این ماتریس، نمایانگر یک فضای منطقی منحصربه‌فرد است که پایه‌ی روایت یکی از سناریوهای چهارگانه را تشکیل می‌دهد

جدول ۴- ماتریس منطق سناریوهای آینده (منبع: یافته‌های پژوهش)

محور افقی: رویکرد به حکمرانی فضای اطلاعاتی		
کنترل متمرکز و دولتی (قدرت اصلی در دست دولت‌ها است)	نظارت غیرمتمرکز و الگوریتمی (قدرت اصلی در دست پلتفرم‌های فناوری است)	ماهیت اکوسیستم رقابت رسانه‌ای رقابت شدید و جنگ روایی چندقطبی همزیستی هوشمند و تاب‌آوری جمعی
سناریوی دوم: کنترل متمرکز سناریوی سوم: جنگ رسانه‌ای چندقطبی (یک جهان دیستوپیایی سیاسی-امنیتی)	سناریوی اول: سلطه الگوریتم‌ها (یک جهان دیستوپیایی فناورانه)	
سناریوی کم‌احتمال (این ترکیب به دلیل تضاد منطقی، از احتمال وقوع پایینی برخوردار است)	سناریوی چهارم: همزیستی هوشمند (یک جهان آرمان‌شهری (یوتوپیایی) اجتماعی)	

این ماتریس، نقشه راهی برای مرحله بعد، یعنی تدوین روایت‌های تفصیلی هر یک از سناریوها، فراهم می‌آورد. همانطور که مشاهده می‌شود، سه ربع از ماتریس به سناریوهای اصلی (دو سناریوی دیستوپیایی و یک سناریوی یوتوپیایی) اختصاص یافته و یک ربع به دلیل تضاد درونی، به عنوان یک آینده کم‌احتمال در نظر گرفته شده است.

مرحله چهارم: تدوین و اعتبارسنجی سناریوها

در این مرحله، روایت‌های تفصیلی چهار سناریو بر اساس منطق ماتریس عدم قطعیت‌های بحرانی تدوین و با استناد به داده‌های کیفی دور اول دلفی غنی‌سازی شد. سپس، نسخه‌های پیش‌نویس به‌منظور اعتبارسنجی (از جهت انسجام درونی، باورپذیری و تمایز مفهومی) در اختیار زیرمجموعه‌ای از پانل خبرگان قرار گرفت.

سناریوی اول: «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته»

این سناریو از تلاقی «نظارت غیرمتمرکز الگوریتمی» و «رقابت شدید در فضای اطلاعاتی» پدید می‌آید. در این چشم‌انداز، شرکت‌های فناوری به‌عنوان بازیگران اصلی، از طریق شخصی‌سازی افراطی محتوا و گسترش فناوری‌هایی چون دیپ‌فیک، توانایی تمایز بین حقیقت و دروغ را از جامعه سلب می‌کنند. نتیجه، جامعه‌ای است که در آن حقیقت به مفهومی نسبی و سیال تبدیل شده و اعتماد به نهادها فرسایش می‌یابد.

سناریوی دوم: «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی»

این سناریو بر پایه «کنترل متمرکز دولتی» و «رقابت ژئوپلیتیک شدید» شکل می‌گیرد. در آن، قدرت‌های بزرگ از رسانه به‌عنوان سلاح ایدئولوژیک استفاده می‌کنند و جهان به بلوک‌های اطلاعاتی متخاصم تقسیم می‌شود. اعتماد به منابع فرامرزی از بین رفته و کشورهای کوچک‌تر مجبور به همراهی با یکی از بلوک‌ها می‌شوند، که استقلال رسانه‌ای آن‌ها را تضعیف می‌کند.

سناریوی سوم: «دکترین دفاع شناختی فعال»

این سناریو نیز در چهارچوب «کنترل متمرکز» شکل می‌گیرد، اما با هدف حفظ امنیت شناختی در برابر تهدیدات خارجی. دولت‌ها با نظارت فناورانه و ملی‌سازی پلتفرم‌ها، گفتمان رسمی را مسلط می‌کنند. اگرچه این رویکرد در کوتاه‌مدت ثبات ایجاد می‌کند، اما در بلندمدت به سرکوب آزادی بیان، کاهش نوآوری و انزوای بین‌المللی منجر می‌شود.

سناریوی چهارم: «اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور»

این سناریو از هم‌آمیزی «نظارت غیرمتمرکز مبتنی بر مشارکت جامعه» و «هم‌زیستی هوشمند» شکل می‌گیرد. در این فضا، سواد رسانه‌ای بالای شهروندان، وجود رسانه‌های مستقل و همکاری بین‌المللی، امنیت شناختی را از طریق تاب‌آوری (نه کنترل) تأمین می‌کند. گفتمان هویتی به‌صورت دیالوژیک بازتولید شده و دیپلماسی ظرفیت گفتگوی بین‌فرهنگی پیدا می‌کند. هرچند تحقق آن مستلزم سطح بالایی از همکاری جمعی و نهادسازی است.

یافته‌ها همچنین به‌صورت یکپارچه و مستقیماً به سؤالات پژوهش پاسخ می‌دهد.

سؤال اصلی

آینده عملیات رسانه‌ای در عرصه بین‌الملل چه سناریوهای احتمالی دارد و این سناریوها چه پیامدهای سیستمی بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در حوزه

دیپلماسی بین‌الملل خواهند داشت؟» از طریق چهار سناریوی آینده‌ساز پاسخ داده شد که هر یک پیامدهای بنیادینی بر سه سازه امنیت ملی، گفتمان هویتی و دیپلماسی دارد:

در سناریوی الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته، پلتفرم‌های فناوری، نه دولت‌ها، قاطرهای اصلی فضای اطلاعاتی هستند؛ این سناریو منجر به تضعیف امنیت شناختی، از هم گسیختگی گفتمان هویتی و انحطاط دیپلماسی به رقابت الگوریتمی می‌شود.

در سناریوی رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی، رسانه‌ها به سلاح راهبردی تبدیل شده و جهان به بلوک‌های اطلاعاتی متخاصم تقسیم می‌شود؛ در این فضا، گفتمان هویتی ابزاری شده، امنیت ملی در معرض تهدیدات متقابل قرار می‌گیرد و دیپلماسی به دیپلماسی حربه‌ای تبدیل می‌شود.

در سناریوی دکترین دفاع شناختی فعال، دولت‌ها با کنترل متمرکز فضای اطلاعاتی، امنیت شناختی را تضمین می‌کنند؛ هرچند این امر به قیمت سرکوب تنوع رسانه‌ای، تثبیت گفتمان تک‌سویه و انزوای دیپلماتیک تمام می‌شود.

در سناریوی اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور، ترکیبی از سواد رسانه‌ای بالای شهروندان، پلتفرم‌های مستقل و نهادهای نظارتی مستقل، فضایی متوازن ایجاد می‌کند که در آن امنیت شناختی از طریق تاب‌آوری، گفتمان هویتی به‌صورت دیالوژیک بازتولید می‌شود و دیپلماسی ظرفیت گفتگوی بین‌فرهنگی پیدا می‌کند.

عوامل کلیدی شکل‌دهنده آینده (سؤال فرعی اول)، شامل فناوری دیپ‌فیک، مبارزه با عملیات روانی و حاکمیت دیجیتال است که از طریق دور اول دلفی شناسایی شدند. سناریوهای محتمل آینده (سؤال فرعی دوم)، از تقاطع دو عدم قطعیت بحرانی، رویکرد به حکمرانی فضای اطلاعاتی و ماهیت اکوسیستم رقابت رسانه‌ای، استخراج گردید. راهبردهای کلان (سؤال فرعی سوم)، به‌صورت ضمنی در تحلیل پیامدها استنتاج شده و در بخش «بحث و نتیجه‌گیری» به‌صورت صریح ارائه خواهند شد.

تحلیل راهبردی و مقایسه سناریوها

در میان چهار سناریوی استخراج‌شده، ترکیبی از «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی» و «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته» از نظر احتمال وقوع محتمل‌ترین چشمانداز محسوب می‌شود. روندهای کنونی، از سرمایه‌گذاری گسترده قدرت‌های بزرگ در رسانه‌های استراتژیک تا شتاب بی‌سابقه فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی مولد، نشان می‌دهد که جهان به‌سوی فضایی سوق داده می‌شود که در آن «حقایق موازی» براساس بلوک‌های ژئوپلیتیک و الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده شکل می‌گیرند. در این محیط، اعتماد به رسانه‌های فرامرزی فرسایش یافته و مخاطبان در محفظه‌های اطلاعاتی انزواافکن محصور می‌شوند، وضعیتی که ثبات بین‌المللی را تهدید می‌کند.

تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای هر سناریو نیز بر اساس سه مؤلفه امنیت ملی، گفتمان هویتی و دیپلماسی انجام شده است:

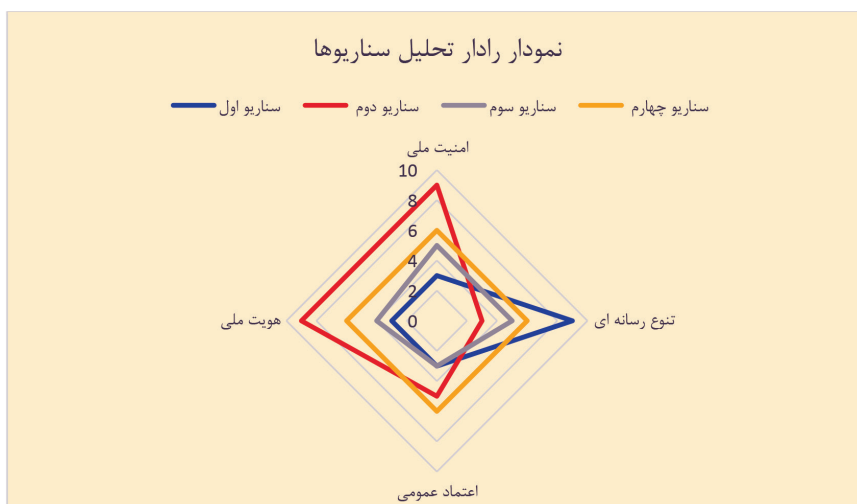
در سناریوی «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته»، فرصت‌هایی چون شخصی‌سازی محتوا و بهبود تجربه کاربری وجود دارد. اما تهدیدهای آن جدی‌تر است: فراگیری محتوای جعلی (دیپ‌فیک)، ایجاد حباب‌های اطلاعاتی، انحصار اطلاعات توسط شرکت‌های فناوری، و در نتیجه، تضعیف امنیت شناختی، از هم گسیختگی گفتمان و کاهش ظرفیت دیپلماتیک.

در سناریوی «دکترین دفاع شناختی فعال»، دولت‌ها با ایجاد ثبات اطلاعاتی، امنیت ملی و هویت فرهنگی را تقویت می‌کنند. با این حال، این ثبات به قیمت سرکوب رسانه‌های مستقل، کاهش نوآوری و انزوای بین‌المللی تمام می‌شود. گفتمان هویتی در این سناریو یک‌سو و غیریویا می‌شود که به تدریج با واقعیت‌های جامعه هم‌خوانی نخواهد داشت.

در سناریوی «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی»، کشورها از طریق روایت‌سازی هدفمند، قدرت نرم خود را افزایش می‌دهند. اما این رقابت به «حقایق موازی»، قطبی‌سازی شدید و کاهش اعتماد عمومی منجر می‌شود. کشورهای کوچک‌تر استقلال رسانه‌ای خود را از دست داده و مجبور به انتخاب بین بلوک‌های قدرت می‌شوند، وضعیتی که دیپلماسی چندجانبه را ناممکن می‌سازد.

در سناریوی «اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور»، سواد رسانه‌ای بالای شهروندان، وجود پلتفرم‌های مستقل و همکاری بین‌المللی، فضایی متعادل ایجاد می‌کند. در این سناریو، امنیت شناختی از طریق تاب‌آوری (نه کنترل) تأمین می‌شود، گفتمان هویتی به‌صورت دیالوژیک بازتولید می‌گردد و دیپلماسی ظرفیت گفتگوی بین‌فرهنگی پیدا می‌کند. با این حال، تحقق این آینده مستلزم سطح بالایی از مشارکت جامعه مدنی و هم‌راستایی بین‌المللی است که در شرایط کنونی چالش‌برانگیز است.

هرکدام از سناریوهای مطرح شده بر پارامترهای مورد بحث در پژوهش تأثیرگذاری خاص خود را دارند، همچنین بین متغیرها و شاخص‌های استخراج شده نیز روابط علی مشخصی برقرار است؛ در شکل ۲ وضعیت سناریوهای مختلف در شاخص‌های امنیت ملی، تنوع رسانه‌ای، هویت ملی و اعتماد عمومی نشان داده شده است.



شکل ۳- نمودار رادار سناریوهای مختلف

این نمودار به صورت بصری، پیامدهای هر یک از چهار سناریو را بر اساس چهار شاخص کلیدی «امنیت ملی»، «تنوع رسانه‌ای»، «اعتماد عمومی» و «هویت ملی» مقایسه می‌کند. هرچه مساحت شکل مربوط به یک سناریو بزرگتر و متوازن‌تر باشد، آن سناریو وضعیت مطلوب‌تری را به تصویر می‌کشد.

سناریوی چهارم (اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور- نمودار زرد): این سناریو با کسب امتیازات بالا و متعادل در تمام چهار شاخص، به وضوح به عنوان مطلوب‌ترین آینده شناخته می‌شود. این وضعیت نشان‌دهنده یک اکوسیستم رسانه‌ای سالم است که در آن امنیت، هویت، اعتماد و تنوع به صورت هم‌افزا تقویت می‌شوند.

سناریوی دوم (رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی - نمودار نارنجی): این سناریو یک بده‌بستان شدید را نشان می‌دهد. در این جهان، «امنیت ملی» و «هویت ملی» به بالاترین حد خود رسیده‌اند، اما این امر به قیمت نابودی کامل «تنوع رسانه‌ای» و افت شدید «اعتماد عمومی» تمام شده است. این نمودار، وضعیت یک دولت امنیتی را به تصویر می‌کشد که کنترل را بر مشارکت ترجیح داده است.

سناریوی اول (الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته- نمودار آبی): این سناریو نقطه مقابل سناریوی دوم است. «تنوع رسانه‌ای» به حداکثر خود رسیده، اما این هرج‌ومرج اطلاعاتی منجر به تضعیف شدید «امنیت ملی»، «هویت ملی» و «اعتماد عمومی» شده است. این نمودار نشان‌دهنده یک فضای رسانه‌ای رها شده و غیرقابل کنترل است.

سناریوی سوم (دکترین دفاع شناختی فعال - نمودار خاکستری): این سناریو با داشتن کوچکترین مساحت، نامطلوب‌ترین وضعیت ممکن را نشان می‌دهد. در این جهان، رقابت‌های خصمانه باعث شده است تا تمام شاخص‌ها در سطح پایینی قرار گیرند و هیچ دستاورد راهبردی قابل توجهی حاصل نشود.

در مجموع، این نمودار به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا بده‌بستان‌های راهبردی میان سیاست‌های مختلف را درک کرده و اهمیت تلاش برای دستیابی به آینده‌ای متوازن (مشابه سناریوی چهارم) را دریابند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تحولات آینده‌ساز عملیات رسانه‌ای و پیامدهای سیستمی آن بر امنیت ملی، گفتمان هویتی و دیپلماسی بین‌الملل طراحی شد. یافته‌های حاصل از روش ترکیبی دلفی-سناریونویسی، امکان فراتر رفتن از تحلیل‌های حال‌نگر یا گذشته‌نگر و ورود به فضای آینده‌های بدیل را فراهم کرد.

در این فضا، سناریوها نه به‌مثابه پیش‌بینی، بلکه به‌عنوان ابزاری تحلیلی برای کشف پیوندهای علّی و آشکارسازی تنش‌های ساختاری بین فناوری، قدرت و هویت عمل کردند.

۱. غنی‌سازی مفاهیم نظری: امنیت شناختی و گفتمان هویتی در بستر آینده‌پژوهی

این پژوهش با اجرای عملیاتی مفاهیمی چون «امنیت شناختی» (Czosseck et al., 2020) و «امنیت معرفتی» (Carver, 2021)، نشان داد که این سازه‌ها در شرایطی که فناوری‌هایی مانند دیپ‌فیک و هوش مصنوعی مولد گسترده شوند، دیگر صرفاً چهارچوب‌های تحلیلی نیستند، بلکه زیرساخت‌های آسیب‌پذیری راهبردی محسوب می‌شوند. چهار سناریوی استخراج‌شده، طیفی از حالات را نشان می‌دهند که در آن فروپاشی درک مشترک از واقعیت، مستقیماً به تضعیف امنیت ملی منجر می‌شود، نه از طریق حمله‌های فیزیکی، بلکه از طریق فرسایش زیرساخت‌های شناختی جامعه.

همچنین، مفهوم «گفتمان هویتی» که در ادبیات اغلب به‌عنوان سازه‌ای پایدار در نظر گرفته می‌شد، در این مطالعه به‌عنوان سازه‌ای پویا و آسیب‌پذیر در برابر حملات رسانه‌ای مدرن بازتعریف شد. سناریوهای «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته» و «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی» نشان دادند که هویت جمعی چگونه می‌تواند به ابزاری قابل دستکاری در رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شود، که این یافته، با نظریه «روایت‌های راهبردی» (Miskimmon et al., ۲۰۱۳) و مفهوم «قدرت تیز» (Walker & Ludwig, ۲۰۱۷) هم‌راستاست، اما آن را در بستر آینده‌پژوهی گسترش می‌دهد.

۲. پرداختن به شکاف تحقیقاتی: از تحلیل منفرد به نگاه سیستمی

ادبیات قبلی عمدتاً در حوزه‌های مجزا از جمله؛ فناوری (Diakopoulos, 2019)، امنیت (Rentsch, 2016)، دیپلماسی (Bjola, 2015) یا رسانه (Benkler et al., 2018) به پدیده‌های رسانه‌ای پرداخته بود. اما این پژوهش با استفاده از رویکرد آینده‌پژوهی به‌عنوان چهارچوبی میان‌رشته‌ای، این حوزه‌ها را در یک مدل علّی سیستمی ادغام کرد. به‌ویژه، نشان داد که یک تحول فناورانه (مانند دیپ‌فیک)

عملیات رسانه‌ای آینده محور و تأثیر آن بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل

چگونه از طریق تضعیف گفتمان هویتی، امنیت ملی و توان دیپلماتیک را همزمان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نگاه یکپارچه، بزرگ‌ترین سهم مفهومی این پژوهش در پر کردن شکاف ادبیات است.

۳. نتیجه‌گیری تحلیلی و نسبی‌سازی آینده‌ها

تحلیل‌ها نشان داد که محتمل‌ترین چشمانداز آینده، ترکیبی از «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی» و «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته» است. جهانی که در آن حقایق موازی بر اساس بلوک‌های ایدئولوژیک و الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده شکل می‌گیرد. در مقابل، «اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور»، اگرچه مطلوب‌ترین سناریو است، اما تحقق آن مستلزم شرایط ساختاری خاصی (مشارکت جامعه مدنی، همکاری بین‌المللی، سرمایه‌گذاری آموزشی) است که در بسیاری از سیستم‌های سیاسی فعلی وجود ندارد.

۴. پیامدهای ضمنی برای سیاست

اگرچه این پژوهش از رویکرد هنجاری فاصله گرفته است، یافته‌ها به‌صورت ضمنی نشان می‌دهند که رویکردهای صرفاً کنترلی (مانند سناریوی «دکترین دفاع شناختی فعال» در حالت سرکوب‌گرایی خالص) در بلندمدت ناپایدار هستند. پایداری امنیت ملی در عصر شناختی، بیش از آنکه به ابزارهای نظارتی بستگی داشته باشد، به توانایی جامعه برای تاب‌آوری شناختی و تمایز از اطلاعات جعلی وابسته است، همان‌گونه که اریکسون و نورمن (۲۰۲۱) بر تاب‌آوری سیاسی تأکید کرده‌اند.

در مجموع، این پژوهش نه تنها آینده‌های احتمالی را ترسیم کرد، بلکه با بازآفرینی سازه‌های نظری در بستر آینده‌پژوهی، چهارچوبی تحلیلی برای مطالعات آتی در تقاطع رسانه، امنیت و هویت فراهم کرد. این چهارچوب، فراتر از کاربردهای راهبردی، سهمی در گسترش نظریه‌های روابط بین‌الملل در عصر دیجیتال دارد.

جمع‌بندی نظری: این پژوهش نشان داد که رقابت‌های راهبردی آینده در نظام بین‌الملل، کمتر در فضاهای فیزیکی و بیشتر در «میدان شناختی» رخ خواهند داد. در این میدان، عملیات رسانه‌ای دیگر ابزاری فرعی نیست، بلکه هسته مرکزی قدرت روایی است که مستقیماً بر گفتمان هویتی، امنیت ملی و توان دیپلماتیک

تأثیر می‌گذارد. با استفاده از روش ترکیبی دلفی-سناریونویسی، این مطالعه چهار چشم‌انداز ممکن را ترسیم کرد که هر یک پیامدهای سیستمی متفاوتی بر این سه سازه دارد. آنچه این پژوهش فراتر از ترسیم آینده‌ها ارائه می‌دهد، یک چهارچوب تحلیلی است که در آن فناوری، قدرت و هویت به‌صورت درهم‌تنیده و پیویا تحلیل می‌شوند. این چهارچوب، پایه‌ای نظری برای مطالعات آینده در تقاطع رسانه، امنیت و روابط بین‌الملل در عصر دیجیتال فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که آینده‌پژوهی نه تنها ابزاری راهبردی، بلکه فضایی برای بازتعریف مفاهیم بنیادین سیاست بین‌المللی است

پیشنهادهای پژوهشی برای تحقیقات آتی

برخلاف بسیاری از مطالعات آینده‌پژوهانه که تنها به ترسیم سناریو بسنده می‌کنند، این پژوهش با تحلیل پیامدهای سیستمی هر چشم‌انداز، زمینه تحقیقات آتی را در چهار مسیر مشخص می‌کند که هر یک مستقیماً از یکی از سناریوهای استخراج‌شده نشئت می‌گیرد:

❖ از سناریوی «الگوریتم‌ها به‌عنوان قدرت نهفته»: پژوهش‌هایی می‌تواند طراحی شود که سطح آسیب‌پذیری گروه‌های جمعیتی مختلف (بر اساس سن، تحصیلات، دسترسی به فناوری) در برابر محتوای جعلی و حباب‌های اطلاعاتی را سنجش کند. همچنین، مطالعات تجربی درباره تأثیر الگوریتم‌های شخصی‌سازی‌شده بر درک جمعی از واقعیت می‌تواند شکافی مهم در ادبیات روان‌شناسی رسانه پر کند.

❖ از سناریوی «رقابت ژئوپلیتیک در فضای اطلاعاتی»: مطالعات تطبیقی بین‌المللی می‌تواند راهبردهای رقابتی قدرت‌های بزرگ (مانند چین، آمریکا، روسیه) در عرصه دیپلماسی روایی را تحلیل کند و الگوهای مشترک یا متفاوت در ساختار «روایت‌های راهبردی» آن‌ها را استخراج نماید. این پژوهش‌ها می‌توانند به درک بهتر «جنگ سرد دیجیتال» کمک کنند.

❖ از سناریوی «دکترین دفاع شناختی فعال»: پژوهش‌های حقوقی-فناورانه می‌تواند به دنبال یافتن تعادل نظری و عملیاتی بین «تنظیم‌گری هوشمند» و «حفاظت از آزادی بیان» باشد. به‌ویژه، مطالعاتی که مدل‌های نظارتی

عملیات رسانه‌ای آینده محور و تأثیر آن بر امنیت ملی و گفتمان هویتی در عرصه دیپلماسی بین‌الملل

مختلف (متمرکز در برابر غیرمتمرکز) را در بستر فناوری‌هایی چون دیپ‌فیک و هوش مصنوعی مولد مقایسه کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

❖ از سناریوی «اکوسیستم رسانه‌ای تاب‌آور»: کاوش در پیامدهای فناوری‌های نوظهور، مانند متاورس و رابط‌های مغز و کامپیوتر، بر ساختارهای هویتی و امنیت شناختی می‌تواند سهمی نوین در نظریه‌پردازی درباره «امنیت هستی‌شناختی» در عصر پسادیجیتال داشته باشد.

فهرست منابع

آل‌محمد، حمیدرضا؛ و اسدی، عباس (۱۴۰۳). «آینده روزنامه‌نگاری و تأثیر هوش مصنوعی بر محتوای رسانه‌ای»، *مطالعات فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی*، ۱(۲).

تقی‌پور، فائزه؛ یکتاشی، وحید؛ و جانقربان، علی (۱۴۰۴). «آینده‌پژوهی کاربردهای هوش مصنوعی در صنایع رسانه»، *فصلنامه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، دوره: ۶، شماره: ۱

حاجی‌احمدی، مهدی؛ ملکیان، نازنین؛ و حسینی، سیدرسول (۱۴۰۳). «تحلیل سطوح تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر گرایش کاربران به کنش اعتراضی (مطالعه موردی: اعتراضات سال ۱۴۰۱)»، *مطالعات مدیریت بحران*، ۱۶(۳)، ۹۱-۱۱۸.

حاجی‌احمدی، مهدی؛ و ملکیان، نازنین (۱۴۰۴). «مطالعه پدیدارشناسانه تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: متولیدین دهه ۷۰)»، *فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۶(۶۹)، ۱۴۷-۱۷۶.

نقیب‌السادات، سیدرضا؛ کیا، علی‌اصغر؛ افخمی، حسین؛ و وصالی، لیلا (۱۴۰۰). «آینده‌پژوهی سواد رسانه‌ای در ایران با روش برنامه‌ریزی سناریویی»، *آینده‌پژوهی ایران*، ۶(۲)، ۲۹-۵۲.

Acs, Z. J., Song, A. K., Szerb, L., Audretsch, D. B., & Komlósi, É. (2021). The evolution of the global digital platform economy: 1971–2021. *Small Business Economics*, 57(4), 1629-1659.

- Aro, J. (2016). The cyberspace war: propaganda and trolling as warfare tools. *European View*, 15(1), 121-132.
- Bjola, C. (2015). Digital diplomacy: Theory and practice. Routledge.
- Diakopoulos, N. (2019). *Automating the news: How algorithms are rewriting the media*. Harvard University Press.
- Eriksson, K., & Norman, L. (2021). Political resilience to disinformation. *Democratization*, 28(5), 901-919.
- Fridman, O. (2017). The new front of Russian warfare: active measures. *Small Wars & Insurgencies*, 28(4-5), 801-820.
- Norris, P., & Inglehart, R. (2019). *Cultural backlash: Trump, Brexit, and authoritarian populism*. Cambridge University Press.
- Renz, B. (2016). Russia and the art of hybrid warfare. *Contemporary Politics*, 22(3), 283-300.
- Tucker, J. A., & Wihbey, J. (2020). The state of online manipulation. *Daedalus*, 149(2), 7-19.
- Benkler, Y., Faris, R., & Roberts, H. (2018). *Network propaganda: Manipulation, disinformation, and radicalization in American politics*. Oxford University Press.
- Betz, D. J. (2015). *Carnage and connectivity: Landmarks in the decline of conventional military power*. Oxford University Press.
- Bjola, C., & Pamment, J. (2016). Digital diplomacy in the age of international crisis management. In C. Bjola & J. Pamment (Eds.), *Countering online propaganda and extremism* (pp. 51-68). Routledge.

- Bradshaw, S., & Howard, P. N. (2019). *The Global Disinformation Order: ۲۰۱۹ Global Inventory of Organised Social Media Manipulation*. Oxford Internet Institute, University of Oxford.
- Carver, J. A. (2021). Epistemic security: A new hope. *Philosophy & Technology*, ۳۴(4), 1805-1827.
- Chadwick, A. (2017). *The hybrid media system: Politics and power*. Oxford University Press.
- Claverie, B., & Du Cluzel, F. (2021). "Cognitive warfare": the future of cognitive dominance. In B. Claverie, & F. Du Cluzel (Eds.), *Cognitive Warfare: The Future of Cognitive Dominance* (pp. 1-14). NATO Collaboration Support Office.
- Czosseck, C., Penétrat, L., & Bouleque, M. (2020). Cognitive Security. In T. Minárik, R. Jakschis, & L. Lindström (Eds.), *1۲th International Conference on Cyber Conflict (CyCon ۲۰/۲۰ : (۲۰۲۰ Vision: The Next Decade* (pp. 313-333). NATO CCDCOE Publications.
- De-Lima-Santos, M. F., & Ceron, W. (2021). Artificial intelligence in news media: Current perceptions and future outlook. *Journalism and media*, 3(1), 13-26.
- Hallin, D. C., & Mancini, P. (2004). *Comparing media systems*. Three models of media and politics. Cambridge University Press.
- Howard, P. N., & Woolley, S. (2016). *Computational propaganda and political bots: An overview*. Oxford Internet Institute, University of Oxford.
- Humprecht, E., Castro Herrero, L., Blassnig, S., Brüggemann, M., & Engesser, S. (2022). *Media systems in the digital age: An empirical*

comparison of 30 countries. *Journal of Communication*, 72(2), 145-164.

Kieslich, K., Diakopoulos, N., & Helberger, N. (2024). Anticipating impacts: using large-scale scenario-writing to explore diverse implications of generative AI in the news environment. *AI and Ethics*, 1-23.

Lätti, R., Hermansson, P., Malmelin, N., & Mikael Paltschik, M. (2024). MEDIA 2035. *Four Scenarios for the Future of Media*.

Miskimmon, A., O'Loughlin, B., & Roselle, L. (2013). *Strategic narratives: Communication, legitimacy, and power in the new world order*. Routledge.

Mitzen, J. (2006). *Ontological security in world politics: State identity and the security dilemma*. *European Journal of International Relations*, 12(3), 341-370.

Nye Jr, J. S. (2021). Soft power: The evolution of a concept. *Journal of Political Power*, 14(1), 196-208.

Rid, T. (2020). *Active measures: The secret history of disinformation and political warfare*. Farrar, Straus and Giroux.

Walker, C., & Ludwig, J. (2017). The meaning of sharp power: How authoritarian states project influence. *Foreign Affairs*, 96(6), 114-124.